

پرل

ایرانی مترسی ترک روشنگرلر جمعیتین اورگانی

شماره ۲ - ایل ۱ - مهر ۱۳۵۶ - اکبر ۱۹۷۰

(خیابانی)

هر بیر ملتین شرا فتنه لام او لان بیزینجی شرط استقلال دیر .

هر بیر ملتین استقلال لینی قور و ساخلایان اونون شجاعتنی و قهرمانانیقدیر .

شرافتلو حیاتدان نوتور جاندان و مالدان کچماق لا زمدیر .

یاشا مین او ملتک آزادلیق دیزی ساخلاما قدان نوتور با شیری .

ایرانی ایرانی آزاد الله ه لیدیر .

(خیابانی)

بیز ستارخان یلی مسیو، حیدر عمو او غلی، خیابانی، ارانی، پیشه وری و بهرنگینین یولو ایله گندیریک !

در مورد "نکات گرهی در باره" مسئلہ می

بیز لیک

۰۲ نیشن

پر از جنگ بین الطی دوم مسئلہ می بیکی از حادثین مسائل جهانی مدل شده است . هر قدر که سرمایه های ملی مالک عقب مانده وکم رشد ، من جمهه مالک خاور میانه و نزدیک و از آنجه میهن ما ایران با سرمایه ها و انحصارات جهانی پیوند خوده و ماهیت ملی خود را از دستداده و بدشمن توده های زحمتکش و طل محروم مدل میشود . بعد مسئلہ مدل شده ملی نیز افزوده میگردد . بھر انداره که سرمایه داری ملی حصوصیات طی خودرا از دست داده و سرمایه داری کوسوولیت مدل میگردد و پرین مبارزه ملی را دور می اندارد . زحمتکشان ملی این پرجم را بلند کرده و دو شادور نیروهای صد امیرالیستنی و طبقائی مترسی بخارزه خود در راه بدمت آوردن حقوق ملی ادامه میدهد . بنا بر این مبارزات طی این سالها نسبت ببارزات طی سالهای قبل از آن در انگ گذر امپریالیسم بدوان انحصارات بین الطی تغییر اساس داده و گرایش نویش بیدا کرده و بیکی از نیروهای صد امیرالیست و ارتیاج ، بیکی از بیکری ترین نیروهای ککی برولتارها و دهستان مدل شده است . حدت و شدت مبارزات طی بعدی رسیده است که حتی آن سازمانها مدل شده ای که سالهای قبل از آن سازمانها مدل را در بونه فراموش نهاده بودند . بکی پرس از دیگری به آن افتراض کرده و مناسبت خود را نسبت به آن اهلان میدارند . افتراض این سازمانها بحقوق ملی و مبارزات ملله در راه بدمت آوردن آن بی نت نایه صرف و دلکرسی نیروهای ملی و سازمانها ای آنها میباشد . ما امیدواریم که این سازمانها در باره این مسئلہ جنان که باید و شاید بیکر بوده و آنرا تا آخر دنبال خواهند کرد .

ولی با کمال تأسف باید مذکور شد که افتراض این سازمانها به مسئلہ ملی دارای نواقص است که با زایده بھر خود را نادرست قبلی باین مسئلہ و یا نتیجه ارزیابی غیر ملی را تمحق در این نواقص مشاهده میشود که آنها مسئلہ ملی را مرکبتر و مقدار نموده و حتی آنرا از زایده دید مارکیسم ضرور می نمایند . بھر بکوئی این نواقص تضاد مجبوبی با اساس طرح مسئلہ ملی از جای آن سازمانها فکری داده و در نتیجه ماهیت مسئلہ تقریبا بصورت قبلی لا ينحل ناقص ملی ماند و این مسئلہ باعث نگرانی نیروهای ملی و سازمانها آنها میگردد .

بنون ملی قرار هیئت اجرایی حزب توده ایران را میتوان نشان داد که تحت عنوان "نکات گرهی در باره" مسئلہ ملی در ایران و حل آن از نظر حزب توده ایران در شماره ۱۲۵۲ خرداد ماه ۱۳۵۶ ماهنامه مردم اورگان مرکزی حزب توده ایران چاپ شده است . با وجود اینکه در این قرار مسئلہ ملی در ایران بحور صحیحی مطری میشود نواقص نیز در آن وجود دارد که با تمحق در ماهیت آنها ، مرض صحیح مسئلہ ملی را میگردید . بکی از این نواقص اصطلاح "ملت آذربایجان" میباشد . آذربایچی ملته ده

اکر کله فالخیب حیات ایستاده ،
ویه ر حکمیون آخرده بیرون زن
دانلیمین نهایت گرک بشندر ،
سوکلمزمی طلعتن آخرده دان ؟
لین بیولگی سلکه لر داغلاری
داپاسماز یونسنه نه سلطان نه خان
چکیب اهرمن خلفی تجیره لیک ؟
هیشه گنوی لوته بیلسز دوان
باش ایبیب ٹیم ، دویمادان چیزینه
قیول اولماز ٹلم آذ رآبا دکان
اکر چکه قل لیکله خلقم قلچن ،
بوشار ظلعنی قویسان اوندان نشان
دویشورله آ لیش ٹلم حقینی ،
نتیجه آ لدی سرداری ستارخان
اویون چاره می تکجه بیولیکده دیر
او بیرشمه ، قاینشار دامار لاردا قان
۱۹۶۴

چون ملتی وطنیعیزده
ملی مسئلله نین طرحی بارده

هر بیر تولک نین هر بیر انقلابی متری اجنبی حکمیون
بوتون مرحله لرینه تاکله و شعال زمان و مکان داخلینه
همان تولک نین اقتصادی سیاست اجتماعی و ملی شرایطینه موافق
تعیین اولونالیدیر . بیسوز اجنبی حركات موافق قازانا بیلسر .
وطنیعیز ایران کیی جدی انقلابی چویلیه احتیاجی اولان بیر
جمیعت خسته انسانا شبیه ایدیله میخین خسته لیک دوزگون
تشخیص ویله دن مصالجه لر قطعی و لازم نتیجه لر ویره بیله دیگی
کیی ایراندادا جدی انقلابی ایش او زمان نتیجه و ویره جدیگر که
جمعیتین لوزنے خاص بوتون خسته جهتاری ثورنبلیب قیمت -
لندیلیمین . محض بونا گوره ده کارل مارکس زمانندان کسونیست
و سول حزب طبقائی مسله اساس اولماقا بوتون کگه لری و
طبوعاتیندا بیر سیرا تولک لرده هم اجتماع بیولیلردن بیری
اولان ملی مسئلله دنده بخت اینیش و بیولگرالاریندا ملترين نور
قدراتینی تعیین اته می حقوقونو آیدین قید اینیش / باح .
لینین " ملترين نور مقدراتینی تعیین اته می حقوقونو حافظیندا .
انیش . باکی ۱۹۶۴ // (قاله ده کی لینین گیرمه جه شاهدار بوس
کابدان آینیشیدیر)

و . م . لینین بو اتریندن گورونور که ملی مسئلله نین سول
حزب طرفیندن بیر تولک ده طریقین و سعی بو مسئلله نین همان
تولک ده نه درجه ده حاد اولوب اولماسیله ملاقه دار اولمالی
دیر . پیش نکجه بھر ملنتن تشکیل اولوش بیر سرایه دارلیق
ملکینه ملی مسئلله نین طرح اولونماس لینین تعیینیجسے
مارکسین الفاسینی باشا دوشے ملک دیگر / ۱۵ /
بوتون عکسینه ایران کیی جون ملتن و ملی ظلم اولان بیر سرایه
دارلیق و ملکیت تولک سینه ملی مسئلله نین لازمیه گیش ملی
اولونماس گه ده و . م . لینین تعیینیجسے " ظلم ایده ن
طین نه اینک بوریواس هابله فیلالاری و ملکیتی ایجون ده
ال بیشلی ایش گورمه " دیگر / ۲۱ /
مارکسون کلامکنین تعلیماتیندان بله چیخیر که بیر تولک ده
ملی مسئلله نین گیش و یا محدود طرح اولونماس بو مسئلله نین
همان تولک ده نه درجه ده حاد و اهیتی اولماسیله متناسب
اولسا سیدیر .

ایران خلقیین مبارزه سینین بو گونکو شرایطینه نه ایجون
بو اعتمادیلیق سهو حتى باغیشانلیماز بیر خطادری ؟ اونا گوره
که سون ایکیو ایل هرینده بیر طرفدن امیرالیزم و اونون سرمایه
سی وطنیعیز یعنی مسلکه یه چویریش و اونون حمایه می نتیجه سینده
پری ارتیاج قوه نیش بیکر طرفدن ایسه همین بو اقتصادی و ملی
ظم نتیجه سینده ملکه ده لله جد ده وطنیعیزه محکوم ملنین
ملی آزادلیق حركات اولدوقجا گوجلیش و مبارزه نین نون سیراسیندا
کننکده دیر . ایندی نکجه ترکلر و کدرل دیپل میرلر و بلچلار
آری ایکیس ملته ده

یاشا مین ایران ملتلرینه ارجاعی شاه ریسی علیهینه مبارزه می ا

حمل اسلحه هستند، بالغ بر شصت هزار نفر میباشد (ولی هیچگاه بین از پنج هزار نفر در یک میدان جنگ دیده نشده است) و عدهٔ کلیه افراد ایل به بیانصد هزار نفر میرسد / چاپ سوم ۱۳۴۸ صفحه ۳۲۷ / ۲۲۹ / ۲۲۶ در داشتمد محترم محمد بهمن بیکی نیز در سال ۱۳۲۶ در کتاب «شاپر فارس» عدهٔ فشنایه‌بارا همین قدر مینویسد . اگر نوشتهٔ آدمیت دقیق باشد و نفوس ایرانرا بنا بنویشند، رسم مقامات دولتی در سالهای دهه دوم ۱۵ و اخیراً ۲۲ مطبوع قبول کیم عدهٔ ایل فشقانی و سایر عشاپر ترک زبان جنوب دستکم از یک مطبوع تجاوز خواهد کرد . آیا از خلق که، سه در حد اهالی کشور مارا تشکیل داده و در خاکهای وسیع توطن نموده اند نام نبردن و آنها را فارس قله‌داد نمودن حل صحیح و مارکیسمیت مسئلهٔ می در میهن ما میباشد؟ در صورتیکه ایل فشقانی تاریخ بر افتخاری داشته و در حفظ استقلال ایران جانبازهای بسی نظری از خود نشان داده است . ما ایدواون که، رهبری حزب توده، ایران این نواقص و نارساپیها را که، با زن سند خدیت آمنی نایابی داشته و ماهیت مارکیسمیت آنرا خدشه دار میکند، مورد توجه مارکیسمیت قرار داده و با در نظر گرفتن و آموزش دقیق واقعیت‌های جامعه، ایران از زاویهٔ دید ترکیب می‌آتها را بر طرف نمایند .

آناییل

بیر کون اسیر دوشوش بیرون قهرمانی
سورفوا سووا لا چکنده جلا ،
سینین یعنیزده بوله ره، دیدی
من زمان زمان یاشادرار حیات .
دیدیلر گیزوفو اویاری سین
گوره بیلمسن من
دیدی . یاشارام !
دیدیلر : مقولونو قیارانق سین
سلاخین که سه زین دوشه و ییندن
دیدی . یاشارام !
دیدیلر : قجهینا کونه وواریق
دوزه بیلمسن
باشیندا الله بیرون توچال قیارانق
دوزه بیلمسن ،
دیدی . یاشارام !
دیدیلر : نه یعنی هار آباری بیز ،
بیورده کجیشنه دونه بیلمسن .
دیدی . یاشارام !
دیدیلر : دیلین قیارانق بیز ،
دانیشا بیلمسن دیده بیلمسن .
سوسد و قهرمان .
نه یاشارام دیدی .
نه قولم دیدی .
سویله دی چه بیلمسن الله ای جلا .
دروان سین دیر .
دیوان سین دیر - ۰ (با اش آذراخی)

حرمتلی دوستلار و یولداشلار

بیورلیک ماهنامه سینین هد فلریندن بیوری ایرانی مفرق ترکیش‌نگرانی‌ین
آرزوی فکری و اولین استعداد ریخت دنیا با تائیتادیر .
توز آرزو و نکریزی بیزه یازن، اتلریزی بیزه گوندین فورتولو غالیش
ادبی، هنری، علمی استعداد ریمزی بیزه مرفلیک ایدین!
بیورلیک سینین ملن و میعنی آرزوی ریزی عکس ایده ن ماهنامه دیر .
اوونلا علاقه ساخلا بین !

xxxxx
2Hamburg1/Bhf
postlagerkarte Nr. 082934 A آدرس

دارود نکاعکش ... قالی
ما در جاهای مختلف بارها مذکور شده ایم که، از قدیم اینام آذربایجان
نهضه، جغرافیائی داسته و بطنی اتفاق نشده است . آذربایجان سر
زمینی است که، ساکنین اساسی آن قسمتی از ترک ایران را تشکیل میدهند .

در نواحی عربی آن اکراد در سواحل خزر نالشها و در نواحی مختلف
آن راهه و آسونها زندگی میکنند . و آنکه استانهای آذربایجان شرقی
و غربی قصصی از تسبیمات کشوری صد ملی دوره، بهلوی است و طبق

نوشته، همین قرار حزب توده، ایران که، "باید تسبیمات کشوری بر

همایه، طی قرار گیرد" لاقم استکه، از لحاظ ملی لا اقل

قصصی از سرف و عرب آن جدا شود .

علوه بر این اکر مارکیسم - لنینیم اساس‌ترین مشخصات ملت را

وحدت زمان، فرهنگ، سرزینی و اقتصاد میداند، بیزا باید لااقل ترکان

زنجان، قزوین، همدان، ساوه و زرند که، از لحاظ اراضی بهم بیوسته

میباشدند از ملت ترکان ایران بجزا شد؟ هراید اصل مارکیسم -

لنینیم در این مورد بهم بیوسته؟ آیا زبان اکر ساکنین این نواحی

زبان ترکی واحدی نیست؟ آیا زبان ترکان آذربایجان، زنجان، قزوین

همدان، ساوه، زرند و حتی ترکان عنایر فشقانی، افشار، سهارلو، نفر،

اینانلو، اشکانی و عیره از لحاظ لهجه آن فرقیرا دارد که، نهجه،

مارسیاه تهران با لهجه، فارسیان سمنان و مازندران و غیره دارد؟

علت بهم زدن اس آشناز مارکیسم - لنینیم چیست؟ آیا کار

که، اینقدر در باره، آن اصرار میشود، عوایق سیاسی درین ندارد؟

مسئلهٔ جالبتر سند فوق الذکر گینه، مرکزی حزب توده، ایران

خصوصی میباشد که، در زیر سند به کله، "فارسها" داده شده

است. در این ایصال میخواهیم: "اصطلاح" فارسها "یعنی اصلاح

نزارادادی است که، متدال شده است و مقصود از آن مبارت است از

ثیبه، سائین ایران بغیر از آذربایجانیها، کردها، بلوجها و عربها؛

اولاً معلوم نیست که، کله، "فارسها" بمعنای فوق الذکر در کجا

و شی استعمال شده و از طرف ندام مقام علی و یا سیاسی بشکل

"اصطلاح" فراردادی در آمده است؟ معلم نیست در کجا ایران

ترنیشها آسونها فشقانیها اراشه بهودیها ... حتی گلک ها را فار

س میگویند؟ نا آنچا که، برای همه ایرانیان گفته میشود که، زبان

ایران نام "فارس" و یا "فارسها" به آن ایرانیان گفته میشود که، زبان

مادریان فارسی است. چنانکه در سند گفته میشود، اکر اصطلاح

"فارسها" به کله، ساکنین ایران بغیر از آذربایجانیها، کرد ها،

بلوجها و عربها گفته میشود، بس اصطلاحات ارضی، بهودی، فشقانی

ترکی، افشار و غیره و غیره در کجا و شی و در چه موردی استعمال

میشود؟

آیا این توصیه غیر علی و نادرست با روح سنته در سند در

نماد کامل نمیباشد؟ آیا این توصیه که، مخالف روح حل مارکیستی

مسئلهٔ ملو در ایران میباشد بند دوم سند را که، در آنچا بطل

محنت ایران از آنجهle ترکنها، آسونها، ارمینها، بهودیها و اقوام

و عشایر ترک زبان و کرد زبانیکه در داخل واحدهای ملی دیگر زندگی

میکنند، اعتراف میشود، نه نی نماید؟ آیا این توصیه ناید حق

باعث نکرانی نبروها و سازمانهای متفرق ایران باشد؟

نیسان دیگر سند سارساتی و ابهام در ایناد نصور واصح در

باره، ملو ایران میباشد . با مطالعه سند زده میشود که، تنظیم

کندگان آن در باره، و صعبت پیشی و مس زیست ملو ایران تصور نام

و نام ندارند و لذا انتسابهای نا بخان در این مسئلہ وجود

دانشته در سند نیز منعکش شده است . حدود گردن ترکان ایران

فقط به آذربایجان، اتفاق بذکر نام ملو و اشاره جزئی به اقوام و

عشایر ترک زبان و کرد زبان در داخل واحدهای ملی و غیره از آن

جمله میباشد .

برای روش شدن مطلب ذکر مثالی از عنایر ترک زبان جنوب اکنفا

میکشیم:

دانشند محترم آنای محمد حسین رک زاده، آدمیت در کتاب

"فارس و جنگکین الطیل" در سال ۱۳۱۱ شمسی در باره، محل

زیست و عده، ایل فشقانی چنین مینویسد: "حوزه، ایل فشقانی

تقریباً از سرحد اصفهان و کرمان و بیزد و خوزستان و خات بختیاری

نا بنادر جنوب ایران مدد است و در تمام ایران ایلسی باین عظمت

و سمعت خاک و نفوس وجود ندارد . عده، فشقانیان، آنها یکه قابل

بیشه وری نیسن وطن پرورلو له حقیقته موژلری

بیز تاریخندن چون دانیشا بیله ریک، کجیشیمیزه، افتخار لارا دلوودور-

لکن بو کلایت ایدز - افتخار و شرافت نویزمه، نویزمه کسبایتلی بیله

بیز آنابا میزین گوپیگی ایشلری نویزمه سرمه، تایپی، اوش خرچله بیپ

قیوتار مایاق بلکه شخا ته، رشاد تهداد کارلیدا اوللا را ظلهد ایدیپ گیتکری

بول ایله گده که، اوللارن قازاندیفلاره، افتخار و شرافت ناول او لاد .

چون مطلع... مطلع

دا آیاگا فالخمن و الده سلاح طبع حقوق و ملی آزاد لیلارلار

بولونسا دویوشولر . بو بیه حقیقتدیر . دیگر طرفدن واحد بیه

لتار حزینین ملع شکده ایراندا خلق داخلینه اولماسی توجه

مینده بیوه ملع حرکاتلار اینتلرلر و سهوله بول ویپلر . یعنی مار-

کیمزم نظریه سینه گوره طبقات مبارزه نین همو رویلریکی آیندا

جریان اته س لام اولن ملی حرکات بو گون وطنیز ایراندا خلق

داخلینه و ملع شکده طبقات مبارزه نین هوشموش و بعضاً

حاللاردا کور کرانه و اینتلرلر ایله لی گدیر . بله بیه شرایطده

گه ده بیوک نینین دیدیگی داهیانه سوزلر اختیارسیز یادا دوشور .

لین دیپندر : " . . . کله وی ملع حرکات باش ویردیکه اونسان

قاجماق، اونون داخلینه کی متقد جهتله کت اتکن بیون قاچیره ما-

ایشده ملت چیلیک موهومانیا قایبلماق یعنی، گوز طبقه نیونه وی

ملت " و یا نویزمه اعلاء ایده که دولت فورولو شو ایچون

ستنی اتیازا ملت اولن ملت) حساب ایتک دیپکر . ۰/۴۸

بیزنه بول وطنیز ایران ملع سنه نین این هم اتلری اولن

یخنیاس طرفداری اولن هر بیه مفرق حزب جمیعت و یا شخص

طرفیندن بو سنه نین گیش ملع شکده طرح اولماسی و هر طرفی

ایشیقلاندیریلماس انقلاپیز ایچون هوا و سو قدر لازدیر .

اکر مارکیز ادبیاتیندا ملع سنه نین ای اتلری اولن

و . و استالینین "مارکیز و سله" ملع اتینین ۱۹۱۲ نجو

ایله و ملع نهین "ملتین نوز مقدراتینی نهین اته س

حقفو حقیندا اتینین ۱۹۱۱ نجو ایده یعنی اکتور اتفانی

و تراپین بخیلماسی هرمه لرینه یارانه ایل اسالی گیش ملع ایل اسالی نظره آساق گوره ریله

که بو سنه نین اسالی گیش ملع اکتور اتفانی ایچون نه قدر

ضروری و لام ایدی . بله اولد و قدرا گوره سه بیون بروتار حزب

رهبرلری و کونیستلریز اتفانی و متقد جزیر جمیعت و روشن

نکرلریز وطنیزین ان هم اجتیا سنه لریند بیوری اتفانیز

ایچون ضروری اولن ملع سنه نیز اینجنه نه زمان ایشیقلاندیرها -

جاقلار؟ اوللار اوللار سلطنت ریچنی ابدی حساب ایدهولر؟

اولاندای اساله اوللار لیکه دید